



مجله آنی

25-مین شماره

12 مهر 1402



ویژه نامه آر تساخ

نسل کشی 1915-2023



دسته بندی موضوعی: ادبیات

دوره انتشار: هفته نامه

مدیر مسئول: آنیتا ارزومانیان

شماره: بیست و پنجم

پست الکترونیکی:

Ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/aniletters

اینستاگرام:

[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)



در کنار این نواحی مناطق تاریخی ارمنی آرتساخ (قره باغ کنونی)، اوتیک و سیونیک قرار داشتند. قدمت اغلب یادگاری های فرهنگی ای که در این سرزمین ها کشف شده اند به قرون وسطی می رسد و به دو دسته متمایز طبقه بندی می شوند. یک دسته شامل چندین یادگار متنوع است که عمدتاً ریشه در مسیحیت دارند، یادگارهایی چون کلیساها، خانقاه ها، خاچکارها (کتیبه ها) و سنگ قبرهایی که ارمنیان بومی منطقه و نیز آلبانی هایی، که به نوبه خود بسیار تحت تاثیر فرهنگ و تمدن ارمنه ی آن زمان بودند، ساخته شده اند. یادگاری های دسته دوم، که تعداد و تنوع کمتری دارند، شامل مساجد، کاخ ها و قبرهای اسلامی هستند که اعراب مهاجم، و یا در اواخر قرون وسطی، تاتارها و دیگر قبایل ترک که از پی اعراب به این سرزمین آمدند، و نیز بومی های مسلمان شده، آن ها را ساخته اند؛ ولی سهم عمده ی این یادگارها را فارس ها ساختند که از قرن پانزدهم تا نوزدهم منطقه را تحت حاکمیت خود داشتند.

Արցախ

باکو جمهوری تازه تاسیس در قفقاز:

برای دست یافتن به فهمی در ست از شکل ارتباط کشورها در یک منطقه جغرافیایی خاص، مه است به جغرافیای تاریخی و حدود مرزهای پیشین کشورهای مورد بحث توجه کنیم. بهترین راه برای کشف موجودیت گذشته هر کشوری که قدمت بسیاری دارد، کاوش در متون تاریخی نقشه هایی است که نویسندگان و نقشه کش ها و جغرافی دانان باستان و اعصار میانی اش ترسیم کرده اند.

سرزمین تحت حاکمیت جمهوری آذربایجان کنونی، که در شمال رود ارس و جنوب رشته کوه های قفقاز واقع شده، ناحیه شمال رود کورا (که از منظر تاریخی آلبانی قفقاز، یا به فارسی اران، خوانده میشود)، را در بر می گیرد. این ناحیه از قدیم الایام تا اوایل قرون وسطی محل زندگی جمعیتی مسیحی بوده است که قفقازی های آلبانی خوانده می شوند. شایام ذکر است این افراد هیچ نسبتی با آلبانیایی های اروپا ندارند.



"حزب دموکرات اسلامی مساوات" در سال 1911 در باکو، و با هدف استقرار کمربندی از دولت ها و کشورها پان اسلامی در منطقه قفقاز جنوبی (که ترنس کوکوزیا ماورای قفقاز هم خوانده میشود) تاسیس شد، که قرار بود ترکیه، که آن زمان حزب پنهان کار و ارتش سالار کمیته اتحاد و ترقی بر آن حکومت می کرد هدایت و جهت گیری شان را تعیین کند.

در سال 1917، حزب مساوات با حزب "فدرالیسم ترک" ادغام شد و نام " حزب فدرالیسم ترک مساوات" را به خود گرفت، حزبی که همچنان با عنوان "حزب مساوات" خوانده میشود و محمد امین رسول زاده ریاست آن را بر عهده داشت.

پس از سال 1918، که منطقه شمال رود ارس اعلام استقلال نمود، در اصل تصمیم بر این بود که کشور جدید "جمهوری شرقی جنوبی ترنس کوکوزیان" نام بگیرد.

ولی حزب مساوات از نفوذ خود بهره گرفت تا این تصمیم را تغییر داده و کشور "آذربایجان" نامیده شود.

آذربایجانی ها ادعا میکنند که نوادگان ارانیان هستند که مسیحی بوده اند، با این حال نه تنها در آزمون صحت تاریخی شکست می خورند بلکه در لابلای ادعاهای خود تناقض درونی بسیار می سازند. این ادعا با ایدئولوژی های پان ترکی و پان تورانی در تضاد است.

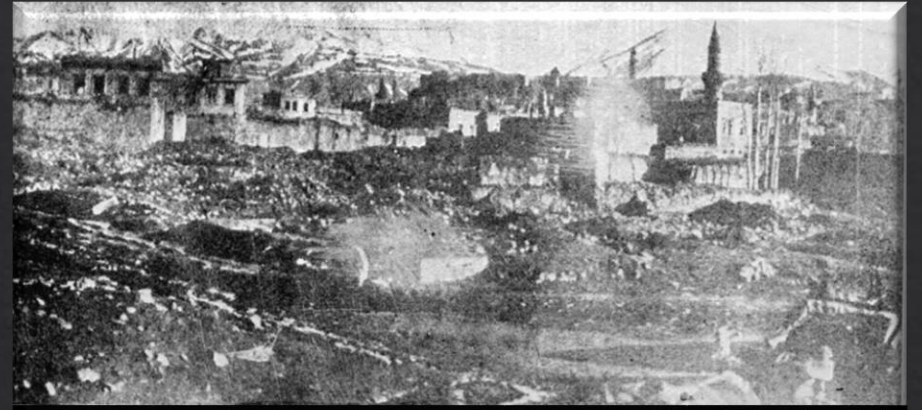
با این تصمیم یک جانبه ی حزب مساوات افراد، قبایل و اقلیت های بسیار ساکن در این سرزمین، که تا آن زمان با نام عمومی ترک ها (یا تاتارها) مورد خطاب قرار می گرفتند، (آذربایجان شرقی) یا "آذری" شدند. بدین ترتیب؛ نامی که به مدت بیش از دو هزار سال به حق به منطقه تاریخی جنوب رود ارس، در داخل سرزمین ایران، تعلق داشت برابر تعریف هویت کشوری که در سال 1918 در شمال همان رود متولد شد به کار رفت.

از دهه 1960 تا به امروز مقامات آذربایجانی مدام سعی کرده اند مردم شان، به ویژه نسل نوی آذربایجانی ها، هواخواهان تاریخ جعلی نوین، همواره از نفرتی عمیق علیه تمام مظاهر فرهنگی و سنن ارمنی پر باشند. ارمنی ها در میان ایم مردم در قامت نابودکنندگان فرهنگ و کیش آرانی تصویر شده اند. مشابه اتفاقی که در ترکیه رخ میدهد؛ کشوری که هنوز دست از انکار نسل کشی ارمنه در سال 1915 پرته داشته است، و در عوض ارمنه را به کشتار ترک ها متهم میکند، دیدگاهی که آذربایجان هم رسماً در آن هم رای شده و اشاعه اش میدهد.

میراث ترکها

<p>نسل کشی یونانیان</p> <p>قتل عام ۱ میلیون یونانی در پونتوس، آناتولی و تراس (۱۹۲۳-۱۹۱۴)</p> <p>عاملین جنایت: نهاد ترکان جوان به رهبری طلعت پاشا، انور پاشا و جمال پاشا</p>	<p>نسل کشی ارمنه</p> <p>قتل عام ۱.۵ میلیون ارمنی در شمال شرقی آناتولی (۱۹۲۳-۱۹۱۵)</p> <p>عاملین جنایت: طلعت پاشا، اسماعیل انور، سعید حلمی پاشا، بهاء الدین شکیب پاشا، عظیم پاشا</p>
--	--

PGSC



تاریخ آرتساخ از باستان تا کنون:

آرتساخ کشوری محصور در خشکی با مساحتی حدود ۴۴۰۰ کیلومتر مربع در قفقاز جنوبی و در جنوب شرقی کوه‌های قفقاز کوچک واقع شده است. این کشوری از غرب با جمهوری ارمنستان، از جنوب با ایران و از شمال و شرق با جمهوری آذربایجان هم‌مرز است. پایتخت آن شهر استپاناکرت و شهر شوشی مرکز فرهنگی آن است.

همچنین قره باغ از دوره صفویه به این سو به یکی از تقسیمات سیاسی ایران تبدیل شد. بعدها توسط آغامحمدخان قاجار، مجدداً تحت حاکمیت مرکزی ایران قرار گرفت. قره باغ نهایتاً پس از عهدنامه گلستان در 1813 به روسیه تزاری واگذار شد.





[znch.am](http://www.znch.am)

تا 1840 این منطقه همچنان با عنوان ایالت قره باغ شناخته می شد اما پس از آن به بخش شوشا تغییر نام یافت، در اتحاد جماهیر شوروی بخش هایی از آن به جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی پیوست، بخش زنگه زور به جمهوری سوسیالیستی ارمنستان شوروی واگذار شد و پس از اشغال این منطقه توسط واحدهایی از ارتش شوروی در معیت نیروهای ارمنستان بخش کوهستانی اش که قسمتی از ساکنان آن را ارمنی ها تشکیل می دادند با عنوان جمهوری ارتساخ اعلام استقلال کرد.



ورود اسلام

پس از اسلام این منطقه زیر نظر خلافت‌های اموی و عباسی قرار گرفت و بعدها حکومت‌های محلی قراباغ را تحت سلطه قرار دادند از جمله شروانشاهان. آرتساخ بعدها به تصرف سلجوقیان و خوارزمشاهیان درآمد.



آرتساخ در ادوار مختلف تاریخی:

پیش از اسلام

آرتساخ و به‌طور کلی قفقاز یکی از گذرگاه‌های ورود آریایی‌ها به ایران بوده‌است. آرتساخ در ابتدای حکومت مادها به زیر سلطه این پادشاهی درآمد و در زمان هخامنشیان نیز جزئی از ایران بود. پس از یورش اسکندر مقدونی و حکومت سلوکیان، بر سر این منطقه بین اشکانیان و رومی‌ها جنگ بود و این موضوع در زمان ساسانیان هم ادامه داشت.

شاعر: دکتر عباس اقبال مهران

من میکشم هر روز
 تصویر آزادی
 من می زخم فریاد
 فریاد آزادی
 تسلیم دشمن من
 هرگز نخواهم شد
 من ارمنی هستم
 آزاده خواهم بود
 دشمن همیشه هست
 دور و بر کشورم
 ای کشور زیبا
 تنهاتر از تنها
 فردا چه خواهد شد
 من مرده یا زنده
 من ارمنی هستم
 تسلیم نخواهم شد.

پس از حمله مغول

فرمان فتحعلی شاه به مهدی قلی خان جوانشیر درباره قراباغ آرتساخ در زمان حمله مغول و تاتار خسارات فراوانی دید و جزئی از حکومت ایلخانان شد. بعدها تیموریان و آق قوینلوها و قراقوینلوها این منطقه را به زیر فرمان خود آوردند تا اینکه شاه اسماعیل یکم آرتساخ را به عنوان جزئی از ایران تصرف کرد. پس از حمله افغانها به ایران، حکومت عثمانی آرتساخ را تصرف کرد اما نادر شاه طی جنگهای سنگینی آرتساخ را بازپس گرفت و خطر روسیه تزاری را نیز از آن منطقه رفع کرد.

پس از مرگ نادر شاه، حکومتهای ایران توجهی به قفقاز و آرتساخ نشان ندادند و این مناطق به خودمختاری رسیدند. تا اینکه آقامحمد خان قاجار در سال ۱۱۷۴ آرتساخ را تحت حکومت مرکزی ایران قرار داد اما با وقوع جنگهای ایران و روس در زمان فتحعلی شاه و شکست ایران از روسیه تزاری، آرتساخ به همراه مناطق بسیاری از قفقاز در پیمان گلستان به روسیه ملحق شد.

و با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ایران هم‌مرز بود. پس از پایان جنگ ناگورنو قره‌باغ در ۲۰۲۰ و امضای توافقنامه آتش‌بس ناگورنو قره‌باغ ارتباط این جمهوری با ایران و ارمنستان قطع شد و تنها راه ارتباطی آن با ارمنستان از گذرگاه لاجین است.



آرتساخ در سال ۱۹۹۳ در پی جنگ‌های ایران و روسیه تزاری و انعقاد پیمان گلستان از ایران جدا شد. در زمان روسیه تزاری و شوروی و پس از آن این ناحیه در زمان شوروی به عنوان یک جمهوری خودگردان زیر نظر جمهوری آذربایجان بود اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و وقوع جنگ قره‌باغ به تصرف ارمنستان درآمد.

جمهوری آرتساخ یا آرتساخ که بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷ به‌طور رسمی با نام جمهوری قره‌باغ کوهستانی شناخته می‌شد، یک کشور مستقل غیررسمی با اکثریت ارمنی، در جنوب قفقاز بود که تنها توسط سه کشور دیگر غیر عضو سازمان ملل، به رسمیت شناخته شده‌بود. منطقه قره‌باغ سال‌ها محل مناقشه بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان بود تا اینکه ارمنستان رسماً قره‌باغ را جزو جمهوری آذربایجان اعلام نمود. این دولت خود خوانده، در اواخر دوره کوتاه تسلط خود مقدار محدودی از اراضی ناحیه خودمختار قره‌باغ کوهستانی را تحت کنترل داشت



منطقه عمدتاً ارمنی‌نشین قره‌باغ کوهستانی که سال‌های متمادی محل سکونت و تحت حاکمیت ارمنی‌ها بود پس از استقلال ارمنستان و آذربایجان از امپراطوری روسیه در ۱۹۱۸، مورد اختلاف آن‌ها قرار داشت. پس از تثبیت سلطه اتحاد شوروی بر این ناحیه، این حکومت استان خودمختار قره‌باغ کوهستانی را درون جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی در سال ۱۹۲۳ ایجاد کرد. در واپسین سال‌های اتحاد شوروی، مجدداً منشأ بروز اختلاف بین ارمنستان و آذربایجان شد. رفتاری در این ابلاست و استان همسایه شاهومیان در ۱۹۹۱، منجر به اعلام استقلال شد. نزاع قومی در پی قتل‌عام مردم ارمنی از سوی ارتش جمهوری آذربایجان منجر به جنگ قره‌باغ بین ۱۹۹۱-۱۹۹۴ شد، که منجر به آتش‌بس و حفظ مرزهای کنونی شد.

Artesakh is always Armenian



مونتہ ملکونیان ملقب به آوو متولد ایالت کالیفرنیا بود، وی که به همراه خانواده مدام در سفر بود، قادر به مکالمه به انگلیسی، فرانسوی، اسپانیولی، ژاپنی، عربی، ارمنی، فارسی و کردی بود!

در ۱۲ سالگی با سفر به ترکیه و مشاهده وضعیت ارمنه در زادگاه اجدادش (مرزوان) زندگیش دیگرگون شد. وی یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در تهران ساکن شد و به تدریس زبان انگلیسی مشغول شد. او که دارای اندیشه های سوسیالیستی بود به مبارزه با شاه پرداخت و پس از سقوط شاه به غرب کشور رفت و به همراه جدایی طلبان کرد، دست به محاربه بر ضد جمهوری اسلامی ایران زد. پس از در هم کوبیدن فتنه گروهک های کرد مجبور به عزیمت به لبنان شد. در لبنان در ترکیب نیروهای "ارتش سری آزاد سازی ارمنستان" به مبارزه با ارتش اسرائیل و شبه نظامیان راستگرای (ASALA) مسیحی موسوم به فالانژ ها پرداخت.

سپس به فرانسه رفت و در چندین عملیات تروریستی بر ضد منافع ترکیه از جمله ترور چند دیپلمات و انفجار دفتر هواپیمایی ترکیه در فرانسه مشارکت داشت. وی در فرانسه به زندان افتاد. پس از شروع جنگ قره باغ به عنوان رهبر وارد کارزار شد، همچنین از روابط گسترده خود با ASALA که همفکران سوسیال_لنینیست او PKK شبه نظامیان بودند، استفاده کرد و توانست صدها تروریست کرد را به صحنه نبرد قره باغ بکشاند.



ارمنستان به لحاظ بهره مندی از قوای با تجربه جنگ های چریکی و مخصوصا جنگ های کوهستان نسبت به نیروهای آذری دست برتر را داشت چرا که نیروهائی که ملکونیان با خود به قره باغ آورده بود، تجربه سالها مبارزه در کوهستانهای سوریه و ترکیه و عراق هم، همزمان تجربه جنگ شهری و تجربه جنگ با ارتش ASALA را داشتند و نیروهای اسرائیل را یدک می کشیدند.

ملکونیان عملا توانست، جبهه ارمنه را با یک پیاده نظام کارآموده و خبره تجهیز کند. وی در جنگ قره باغ، به کابوسی برای نیروهای آذری تبدیل شد، نیروهای تحت رهبری وی شهرها و روستاها را یکی پس از دیگری اشغال می کردند، وی وقتی وارد مناقشه قره باغ شد که ارمنه در پی حفظ مواضع خود در قره باغ بودند اما وقتی در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۳ به دست نیروهای آذری کشته شد که در جبهه اقدام، در خاک آذربایجان می جنگید. نیروهای او علاوه بر تسلط بر اکثر مناطق قره باغ کوهستانی، با اشغال شهر "لاچین" و در هم کوبیدن لشکر هفتم آذربایجان در "کلبجر"، اینک در "اقدام" می جنگیدند. ملکونیان تنها ۳۵ سال داشت که در اقدام کشته شد اما علی رغم سن کم از منشا اثرترین فرماندهان ارمنی در جنگ بود. وی در ارمنستان شخصیتی به مانند چگورا دارد. در مقابل اما در آذربایجان یکی از منفورترین چهره های جنگ قره باغ محسوب می شود چرا که پیشروی های او ممکن نبود مگر با کشتار و آواره کردن شیعیان.

«درست تر آن است که شمشیر را همیشه آماده و محفوظ نگه داری به جای اینکه منتظر لحظه آمدن دشمن بمانی تا مبادا ناگهان دشمن آید و قادر نباشی به شتاب شمشیر به دست گیری» باغداسار دبیر ، شاعر و نویسنده قرن هیجدهم ارمنی.

بیست سال زمان کمی نبود که ارمنه بتوانند در قره باغ کوهستانی ؛ جمهوری آرتساخ و استقلال آن را در جامعه بین المللی مورد تصویب و مشروعیت قرار بدهند ولی آنها از این زمان دو دهه ای استفاده نکردند و با وجود لابی های قدرتمند در اروپا و امریکا کارشان در نهایت به شکست و سقوط کشید .

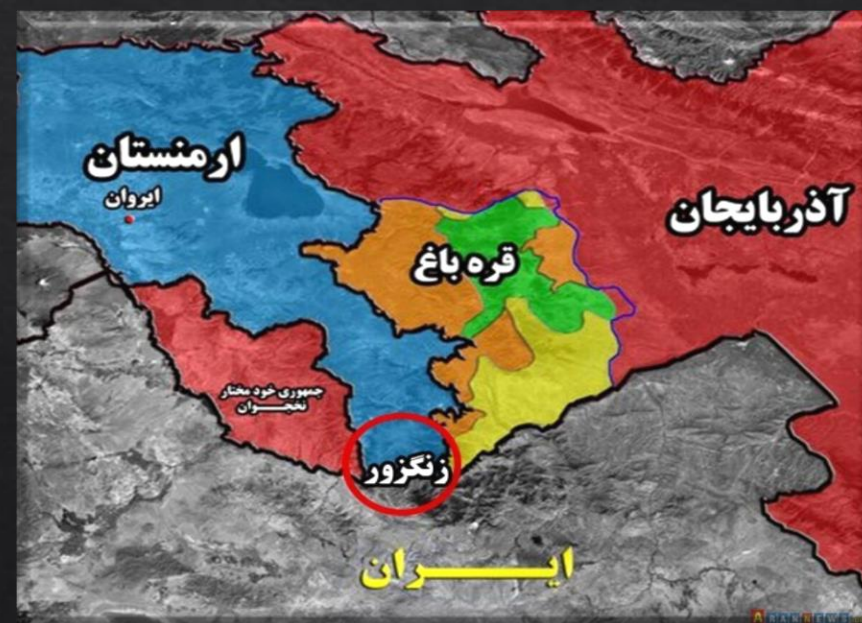
ارمنه در تمام این سالها مست از پیروزی های ابتدای دهه نود غافل از جمهوری آذربایجان بودند در حالی که باکو به واسطه فروش نفت و گاز روز به روز بر انبار و ناوگان جنگی و تسلیحاتی خود می افزود و ترکیه نیز به عنوان یک متحد واقعی پشت سر خود می دید.

ارمنستان تنها دلخوش به روسیه بود ، روسیه ای که در این سالها تمرکزش را برای هدف جدیدی ذخیره کرده و به دنبال باز کردن جبهه تازه و تنش با ترکیه و آذربایجان نبود ، تفکرات غرب گرا دولت جدید در ارمنستان نیز مزید بر علت شده بود که روسیه هم از ضربه خوردن ارمنستان ناخوشنود نباشد .

بحران آرتساخ در آینه رسانه ها

ارمنستان ، قره باغ کوهستانی ، جمهوری آرتساخ و یک رویایی از دست رفته

سید محسن مصطفوی
سایت خبری خبر آنلاین



خبر سقوط استپانکرت پایتخت جمهوری آرتساخ مانند خبر سقوط کابل توسط طالبان برای نگارنده و بسیاری که دل در گروی ایران زمین و فلات ایران دارند تلخ بود و شاید این نوشته بیشتر از اینکه تابع منطق بین الملل و سیاست باشد از احساسات نشات گرفته ولی بهرحال من هرگز نه میهمان نوازی ارمنیان در ارمنستان را فراموش می‌کنم و نه رنجش در باکو در بحث راجع به تاریخ و سرگذشت سرزمین آران و بادکوبه به عنوان یک ایرانی با اصالت آذری اصیل (اردبیلی) ، ارامنه با فرهنگ تاریخی ، با اصالت و ریشه دار خود همواره همراه ایرانیان در سیاست و تاریخ و به خصوص هنر این سرزمین بوده اند و امیدوارم که بتوانند با اصلاحاتی در سرزمین و سیاست خود اقتدار گذشته خود را بازیابند و آنها که در تاریخ باستانی خود فراز و فرود سیاسی ، اجتماعی فراوان داشته اند، همواره توانستند راه خود را در تلاطم های سیاسی و تلخی روزگار که برای آنان کم هم نبوده است بیابند ،

سلاح های روسی و قدیمی ارامنه ناکارآمد بود و سیاستمداران جدید در دولت نیکول پاشنیان ناکارآمدتر ، جنگجویان با شهامت و شجاعت ارمنی که در دهه نود حتی نیروهای چچنی و فرمانده افسانه ای آنها شامیل باسیف (در آن زمان که به کمک نیرویهای آذری آمده بودند) را در منطقه قره باغ شکست داده بودند ، در دهه دوم هزاره سوم دچار رخوت شده بودند(فرماندهان لایق ارمنی جنگ اول یا از دنیا رفته بودند یا دیگر برای جنگیدن پیر) و انتظار کمک و حمایت منطقه ای و بین المللی نیز امیدی پوچ بود .

با اینکه جمهوری آرتساخ هیچ وقت به عنوان یک کشور و هویت مستقل توسط جوامع بین المللی شناخته نشد و طبق اسناد سازمان ملل و قوانین بین الملل رسماً جزئی از قلمرو خاک آذربایجان باقی مانده بود ولی سابقه تاریخی چند هزار ساله اسکان ارمنیان در این خطه نیز قابل کتمان نیست ، به هر روی ارمنیان دوباره مجبور به کوچک بزرگی از سرزمین های آبا و اجدای خود همانند اوایل قرن بیستم شدند و احتمالاً این کوچ و اخراج اجباری ادامه یابد .

در این میان ایران نیز دوستان خود را هرگز فراموش نخواهد کرد و همچنین کسانی که جلوت یا خلوت به دنبال خباثت و نقشه های شوم برای ایران زمین هستند .



«می روی ، دگر چه بگویم ، عادت دارم ، طاقت می آورم ،
بگذار سینه ام کمی به درد آید تا جای قلبم را به یاد آورم ... »
هاموساهیان ، شاعر معاصر ارمنی

انحلال جمهوری آرتساخ از اول ژانویه 2024

قتل عام ارمنه

بر گرفته از کتاب

نسل کشی ارمنیان

و

100 سال مطبوعات ایران

"ارمنه" که در شمال شرقی آسیای صغیر در نواحی مرزی "روسیه" سکونت دارند 1500 سال است که یک جزیره مسیحیت را میان اقیانوس مسلمان ترک تشکیل داده اند. در طول این مدت عربها در زمان جنگ های صلیبی، مغولها، تاتارها، کردها و سرانجام ترک ها سرزمین آنان را زیر پا نهادند. اکنون نوبت ترکان انقلابی بود که یکی از رقت بار ترین تصاویر قرن معاصر را به رخ جهانیان بکشانند. داستان قتل عام ارمنه از آنجا شروع شد که در اوایل سال 1915، نبردهای خشونت باری در ناحیه مرزی میان ترکیه و روسیه در گرفت "انور" (فرمانسون) به بهانه کمک بعضی از ارمنه به روس ها از فرصت استفاده کرد تا به تعبیر خودش مسئله ارمنه را برای همیشه حل کند و بعد از خاتمه جنگ، ترکیه دیگر از این لحاظ مشکل نداشته باشد.

البته نمیتوان دلیل اصلی این قتل عام را همدستی ارمنه با روس ها دانست. در حقیقت، این یک بهانه واهی بود، زیرا اصولاً انقلاب ترکیه با هر ملیتی به جز ترک مخالف بود.

سفیر انگلیس در گزارش محرمانه مورخ 1919/05/29 به وزارت



خارج دولت متبوعش، در این مورد می نویسد: "الهام بخش تشکیل "کمپته ترک های جهان" (هسته اصلی انقلاب 1908) در بندر سالونیک (مرکز تجمع یهودیان دونه)، یهودیان بوده اند. "نهضت ترک های جوان" یک حرکت مشترک یهودی-ترکی بر ضد دیگر عناصر امپراتوری یغنب عربها، یونانی ها، بلغاری ها و ارمنی هاست". همانگونه که از این گزارش مستفاد میشود ترک ها تنها با ارمنی ها ضدیت نداشته اند. چنانکه در اسناد محرمانه ذکر شده، این ضدیت با دیگر اقوام از جمله قوم کرد نیز استمرار داشته است از همین رو بلافاصله پس از حل به اصطلاح ریشه ای مسئله ارمنه دولت ترکیه به مسئله کردها پرداخت.

در سال های جنگ جهانی اول، سازمانی به نام "اداره کل امور مهاجران و عشایر وابسته به وزارت کشور عثمانی تشکیل شد. این سازمان، اساسنامه محرمانه ای داشت که به موجب آن کردها باید از مساکن خود ریشه کن شده، به سوی ولایات دورتر کوچ داده می شدند. طبق یک دستور سری، برنامه کوچ باید گونه ای ترتیب می یافت که حداکثر تلفات به بار آید. اتخاذ این تدابیر در مورد ملیت های ترکیه چهره کریه انقلابی ها را هر چه بیشتر نمایان میکند.

"در فوریه 1915، کمپته مرکزی "حزب اتحاد و ترقی" (حزب حاکم پس از پیروزی نهضت ترک های جوان در 1908 که فرمانسونها و یهودیان دونه عضو آن بودند) برای مذاکره پیرامون نقشه قتل عام ارمنیان تشکیل جلسه داد. در این جلسه مخفی، تقریباً همه سران حزب حضور داشتند از جمله "طلعت"، "انور"، "ضیا گوگالپ"، "شکری"، "بهاالدین شکیر"، "دکتر ناظم"، "حسین جاهید"، "قره کمال"، "خلیل حسن فهمی"، "آقا اوغلو احمد"، "جاوید" و "ملوان زاه رفعت". تنها دو تن از اعضا غایب بودند یکی "جمال پاشا" که در جبهه مصر می جنگید و دیگری "پطرس حلاجیان" که فردی ارمنی بود به همین خاطر به جلسه دعوت نشد.

"ضیا گاکولپ" (فراماسون، پدر ناسیونالیسم ترک) - که در این جلسه نیز حضور داشت - قبلاً پیرامون یکپارچگی ملت ترک در ترکیه گفته بود: "ضعف ترکیه از ساختار داخلی آن ناشی می شود که یکسره ترک نیست. پس باید قبل از هر چیز ترکیه یکسره ترک شود. طبقه روشنفکر باید به ترک گرایی طبیعی و غریزی مردم رو کنند و در یک فرهنگ موجودیت یابند: یا مبدل به ترک شوند یا نابود شوند".

این جلسه پس از بحث های طولانی و دستیابی به اتفاق نظر در

در این میان، صدها و زن ارمنی مورد تجاوز قرار گرفتند و هزاران مرد شکنجه شدند تا محل اختفای سلاح هایشان را بروز دهند.

طبق آمار "خلیفه گری ارمنیان استانبول" از جمعیت 2 میلیون و 700 هزار نفری ساکن امپراتوری عثمانی حدود 500 هزار نفر زنده ماندند. بازماندگان نیز با وضعی رقت بار از امپراتوری خارج شدند، به بیابان های عراق و شام رانده شدند.

شعری از روبن سواک
در را بگشای
ترجمه: احمد نوری زاده

کیست که اینچنین بر آستانه ی من می گرید؟
غریب است خواهر! در را بگشای!
در بیرون پیکری نحیف می گذرد گریان
قحطی است، در را بگشای!
آیا تبر است که در آشیانه ام را در هم میشکند؟
این قتل عام است و کشتار. در را بگشای

مورد قتل ارمنه، پایان یافت. "انور" نقشه خود را بر کنار ساختن استادار مسلمان و میانه رو "وان" و منصوب کردن شوهر خواهر ریاکار و بی ثباتش "جواد بیگ" آغاز کرد. همو بود در 15 آوریل، هر چه ارمنی یافت به هلاکت رساند. او ابتدا در دهکده "ارکانتس" 500 مرد ارمنی را گرد آورد و تیر باران کرد. سپس 80 دهکده دیگر همین جنایت را باز آفرید.





در میان راه، نیروهای ترک رفتاری بس ناجوانمردانه با زنان و کودکان داشتند که تاریخ از ذکر آن شرم دارد. اگرچه در مورد تعداد قربانیان این قتل عام که 3 ماه به طول انجامید - اتفاق نظر وجود ندارد اما همگان تصدیق میکنند که از حدود 2/5 میلیون ارمنی حداقل 800 هزار تن در این قتل عام کشته شدند....



نویسنده: گقارد منصوریان، کارشناس ارشد روابط بین الملل

نسل کشی مجدد ارمنیان

گقارد منصوریان در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می نویسد: به دور از بازی های سیاسی پشت پرده میان قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای مسئله مهم و تامل برانگیز اقدامات جمهوری باکو در آن منطقه است که می توان مصداق بارز نسل کشی ارمنیان قراباغ باشد.

دیپلماسی ایرانی: با گذشت سه سال از پایان جنگ دوم قراباغ، در چند روز گذشته جنگی جدید منطقه قفقاز جنوبی را درنوردید. جمهوری آذربایجان به بهانه مبارزه با تروریسم خود ساخته، از چندین جهت حملات سهمگینی را علیه ساکنین ارمنی منطقه قراباغ آغاز کرد. پس از امضاء توافق آتش بس با میانجیگری روسیه و حضور نیروهای صلحبان آن کشور در منطقه کسی گمان نمی کرد که مجدداً رویاروی نظامی میان آذری ها و ارمنیان به این سرعت رخ دهد، اما شواهد خلاف آن را هویدا ساخت.

جمهوری ارمنستان با قبول قرارداد آتش بس 9 نوامبر 2020 متعهد شد کلیه نیروهای نظامی خود را از منطقه قراباغ تخلیه کند و حتی مناطق ای از قراباغ را نیز به جمهوری آذربایجان تحویل دهد، در نتیجه از آن تاریخ هیچ نیروی نظامی رسمی از ارتش ارمنستان حضور فیزیکی در منطقه قراباغ نداشته است. نیروهای مردمی ارمنی ساکن قراباغ برای دفاع از سکونت گاههای خود با تجهیزات سبک جزئی اقدام به نگهداری و ایجاد پست های امنیتی کرده بودند و نیروهای حافظ صلح روسی نیز بر تمام اقدامات و روخداها نظارت کامل داشتند.



اقدامات جمهوری آذربایجان در چند روز گذشته علیه ساکنین ارمنی منطقه قراباغ صحنه ای بر نقض قوانین بین الملل و جنایت علیه بشریت با در نظر گرفتن موارد فوق است. شواهد انکار ناپذیری از رفتار نیروهای آذری در برخورد با ساکنین ارمنی ثبت شده که تبیینگر برنامه های از پیش طراحی شده برای پاکسازی قوم ارمنی از آن مناطق بوده است.

جامعه بین الملل با در نظر گرفتن منافع خود در مجازات عاملان جنایت ها اقدامی می کند، متأسفانه ارمنستان و ارمنیان در این برهه زمانی در جایگاهی قرار ندارند تا اقداماتی ملموس به نفع آنها صورت گیرد. این واقعیتی تلخ در عرص بین الملل است.

ارمنیان و سرزمین های آنها در طول تاریخ به عنوان یک مانع کلیدی برای گسترش پان ترکیسم و اتحاد ترکان بوده است، مسجل ترین دلیل است که تاوان آن را ارمنیان با جان خود می پردازند. تنها راه در امان ماندن ارمنیان پایداری و استفاده از نظریه واقعگرایی تدافعی است.

کنون به دور از بازی های سیاسی پشت پرده میان قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای مسئله مهم و تامل برانگیز اقدامات جمهوری باکو در آن منطقه است که می توان مصداق بارز نسل کشی ارمنیان قراباغ باشد.

نسل کشی واژه ای است که به ندرت در حقوق بین الملل از آن استفاده می شود، اما برای ارمنیان به وفور استفاده می شود، نسل های ارمنیان اولین نسل کشی قرن را به دست ترکیه عثمانی تجربه کرده اند، یک ونیم میلیون ارمنی در مناطق آناتولی ترکیه در بین سال های 1915 تا 1917 امحافیزیکی شده و از سرزمین های آبا اجدادی خود به اجبار کوچانده شدند و حال با گذشت بالغ بر 100 سال مجدداً در منطقه ای دیگر برای همان قوم در حال وقوع است.

نسل کشی یا کشتار دسته جمعی (ژنوسید)، استفاده غیر انسانی عملی علیه قومی به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی، رفتار خشونت آمیز علیه اسرا و یا اعدام آنها، پاکسازی فیزیکی و کشتار منطقه ای افراد غیر مسلح، جابه جایی و کوچاندن اجباری ساکنین منطقه، غارت دارایی های اشخاص از مواردی است که در دو بخش جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی خلاصه می شود.



1915



2023

I wont say goodbye I will just
say...until we meet again

به نقل از یورونیوز دادستان کل
آذربایجان در روز اول اکتبر حکم
بازداشت آرائیک هاروطونیان (رئیس
جمهور سابق آرتساخ) را صادر
کرده است.

سفیر ارمنستان در فاسطین اشغالی:
غیر نظلمیان آرتساخ با سلاح های
اسرائیلی کشته شدند

نسل کشی مدرن قرن بیست و یکم

نمی توان به تضمین های الهام علیف رئیس جمهور
آذربایجان اعتماد کرد. حمله آذربایجان به ارمنستان
اجتناب ناپذیر است. تیگران بالایان سفیر جمهوری
ارمنستان در اتحادیه اروپا

علیف جنایکار دستور تخریب
نماد آرتساخ را داده.

1915-2023

تکرار تاریخ و سکوت جهانیان در مقابل جنایت های رژیم باکو علیه ارمنه

کشتار...کشتار...کشتار
تاریخ خون می گرید

مجله آنی هر چهارشنبه ساعت 10 صبح
همراه شما عزیزان می باشد.
t.me/aniletters



Hoosk.ir
alikonline_ir
arax.news

[t.me/Caucasus storm](https://t.me/Caucasus_storm)

